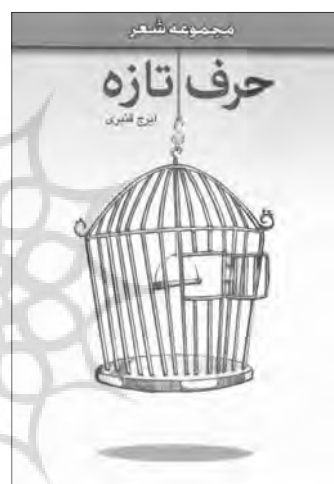


حرف‌های نه‌چندان تازه شاعر

نگار نوبهار



عنوان کتاب: حرف تازه
شاعر: ایرج قنبری
تصویرگر: حمید رضا داودی
ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
تعداد صفحه: ۳۱ صفحه
بها: ۶۰۰ تومان

عنصر عاطفه است. کتاب از سوی انتشارات چاپ و نشر عروج، وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) منتشر شده و تمام شعرهای آن به حضرت امام تقدیم شده است. نگاهی اجمالی به ۲۰ شعر این مجموعه، نشان می‌دهد که محور و تأکید موضوعی سروده‌ها، رحلت امام، دوری از او، ذکر صفات خوب ایشان و یادآوری خاطرات روزهای حیات امام است. به نظر می‌رسد شاعر توانسته در این سروده‌ها، با پُررنگ نشان دادن نقش عاطفی شعر و تأکید بر مضامینی چون حسرت روزهای رفته و... موفق عمل کند. مجموعه‌ای که می‌توانست به یک مجموعه به شدت تأثیرگذار و عاطفی تبدیل شود. چیزی نیست جز مجموعه‌ای یکنواخت و کسل‌کننده برای مخاطب نوجوان که نمونه‌هایی چه بسا قوی‌تر از اشعار مشابه آن را در سایر کتاب‌ها خوانده است. در ذیل، به ذکر چند دلیل از دلایل عدم توفیق شاعر در این مجموعه - البته به اعتقاد نگارنده - می‌پردازیم:

در کم‌ترین شعر موفق و تأثیرگذاری است که نمونه‌هایی عالی از رگه‌های عاطفی یافت نشود و به‌طور کلی عنصر عاطفه، گاه در برخی شعرها نه تنها در کنار سایر عناصر شعر، بلکه نقش محوری‌ترین و اصلی‌ترین عنصر را ایفا می‌کند. اگر بخواهیم تعریفی برای عاطفه ارائه کنیم، شاید تعریفی که دکتر پروین سلاجقه، در فصل چهاردهم کتاب «از این باغ شرقی» آورده، مناسب به نظر بیاید: «عاطفه، به زیباترین و رقیق‌ترین حالات درونی یک فرد دلالت دارد که در تعامل با پدیده‌های مختلف برانگیخته می‌شود و منجر به نمایش و عکس‌العمل عاطفی می‌گردد و از همین جاست که نقش عمده این عواطف در شکل‌گیری شعر انکارناپذیر است.»^۱

عاطفه می‌تواند طیف گسترده‌ای از احساسات و معانی مختلف را در بر بگیرد: دوستی، دشمنی، عشق، رحم، عطف، خشم، ناامیدی، حسرت و...
در کتاب «حرف تازه»، سروده «ایرج قنبری» که برای گروه سنی «د» سروده شده، محور اصلی شعرها همین



الف: تکرار در قالب، وزن

سرودن مجموعه شعری متشکل از ۲۰ شعر که همگی (به جز یک مورد) در یک وزن و قالب سروده شده باشند و خواننده را دچار ملال و خستگی نکنند، قطعاً دشوار است؛ به ویژه که مضمون همه شعرها هم یکی باشد! در کتاب «حرف تازه»، بیست شعر می‌خوانیم که اگرچه به ظاهر هر کدام با یک نام، از دیگری جدا شده‌اند، به نظر می‌رسد از ابتدا تا انتها با یک شعر دنباله‌دار طولانی روبه‌رو هستیم که تنها گاه قافیه‌های آن - به اقتضای قالب - تغییر می‌کند. برای اثبات این مدعا، چند بند پراکنده از شعرهای مختلف را به‌طور پیوسته و زیر هم می‌نویسیم:

... مثل باغ‌ها که از خزان دیرسال

دور می‌شوند

یاد تو

چون شکوفه بهار

در دلم جوانه می‌زند...

چفیه‌ای که از تو ارث برده‌ام

بعد سال‌ها هنوز

عطر آفتاب می‌دهد

عطر دست‌های تو...

روزهای رفته دور می‌شوند

من ولی هنوز

فکر می‌کنم

در کنار ما نشسته‌ای...

از تو دل نمی‌کنم

مثل باغ

از بهار

مثل میوه

از درخت...

من هنوز فکر می‌کنم

با تو می‌توان

صبح را نفس کشید!

سطور فوق، از میان ۶ شعر مختلف مجموعه، به‌طور

پراکنده انتخاب شده و همان‌گونه که پیداست، به نظر می‌رسد متعلق به یک شعر هستند. همه شعرها در زنجیره وزنی «فاعلات» و در قالب نیمایی سروده شده‌اند و مشخص نیست چرا شاعر به جای آن که کتاب را به صورت یک منظومه دنباله‌دار عرضه کند، این‌گونه به تفکیک شعرهایی پرداخته که از همه نظر شبیه هم هستند!

ب: ضعف خیال

خیال که شاید بتوان آن را اصلی‌ترین عنصر شعر و وجه تمایز آن از نثر و نظم دانست، از جایگاه ویژه‌ای در شعر برخوردار است. در شعر کودک و نوجوان، عموماً شاعران از صورت‌های خیال ساده، مثل تشبیه و استعاره که برای مخاطب ساده‌تر و قابل درک‌تر است، سود می‌جویند. البته نباید این سادگی و پرهیز از تراخم خیال و تصویرهایی پیچیده خیال‌انگیز، شاعر را به سمت کلیشه و تکرار سوق دهد. با نگاهی به تصویرهای شعری به کار رفته در کتاب «حرف تازه» و صورت‌های خیال مورد استفاده شاعر در آن، درمی‌یابیم که شاعر اولاً از دم‌دستی‌ترین صورت‌های خیال استفاده کرده و ثانیاً در همان موارد هم به شدت دچار نگاه کلیشه‌ای شده و به تکرار تصویرهایی پرداخته که بارها و بارها و بارها خواننده‌ایم و شنیده‌ایم و ساختن آن‌ها، به قول دکتر شفیع کدکنی، به شکل جدول ضربی می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد. به نمونه‌ای از این تصاویر توجه کنید:

یاد تو

چون شکوفه بهار

در دلم جوانه می‌زند

(شعر عطر خاطره، صفحه ۹)

□

دست‌های تو

کلید قفل‌های بسته بود

چشم‌های تو

دو آسمان پاک!

(شعر ستاره سپید، صفحه ۱۰)

□

دفترم که باز شد

عطر یاد تو وزید

در دلم

(شعر بهار و چکاوک، صفحه ۱۱)

□

سایبان دست‌های تو

آشیاں مهر بود

(شعر تا هنوز، صفحه ۱۶)

□

هرگز ای پدر

خاطرات سال‌های سبز را

از نظر نمی‌برم

(شعر سال‌های سبز، صفحه ۱۸)

حرف بزنییم و شعار بدهیم، همان بهتر که مقاله بنویسیم!
در بسیاری از سروده‌های کتاب «حرف تازه»، متأسفانه
شاعر هنگام توصیف حضرت امام، به ورطه شعارزدگی و
مستقیم‌گویی افتاده و دقیقاً به همین دلیل است که در این
شعرها نقش عناصری چون عاطفه هم کم‌رنگ می‌شود و
هم تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهد:

هیچ‌گاه

روی فرش‌های قیمتی

قدم نزد

هیچ‌گاه

روی مبل‌های زینتی

با کسی

گفت‌وگو نکرد

هیچ‌گاه

جز برای راستی قلم نزد...

(شعر ساده مثل آب، صفحه ۳۱)

□

در کنار تخت‌خواب

مرگ را مچاله می‌کنی

و به خاطر تمام چیزهای خوب

و به خاطر خدا

به خاک می‌روی

پاک آمدی و

پاک می‌روی...

(شعر شکوه خواستن، صفحه ۱۳)

اما آن‌جا که شعر اندکی از مستقیم‌گویی دور می‌شود،
نامی از امام و پدر برده نمی‌شود و به جای آن لفظ «پیرمرد»
که کلی‌تر است، می‌آید. شعر بیشتر به دل می‌نشیند و تأثیر
می‌گذارد:

پرده را کنار زد

ماه پشت ابر بود

پله پله

تا کنار حوض رفت

خواب و خستگی

در نگاه بچه‌ها نشسته بود

او دلش شکسته بود

پیرمرد رفته بود

گفت‌وگو با ستاره‌ها کند

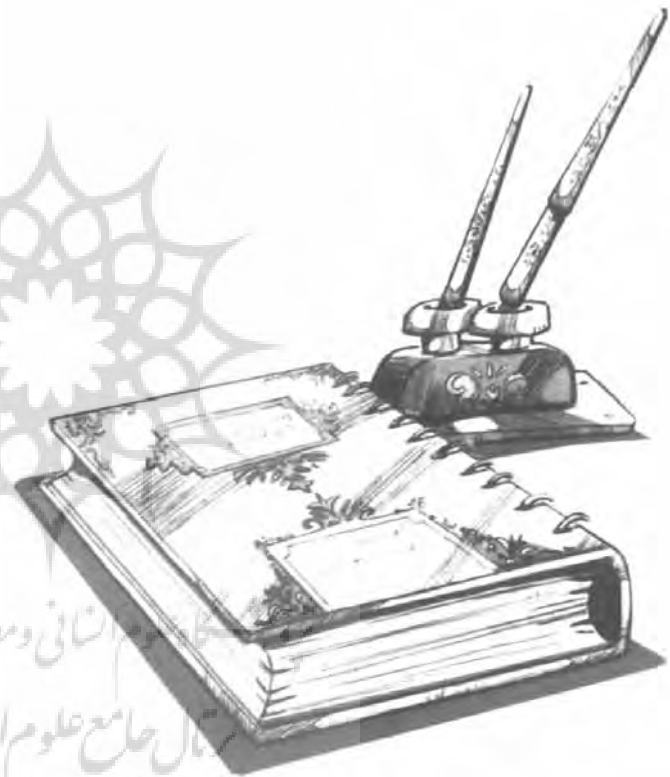
تا برای بچه‌ها

دعا کند

(شعر دعا، صفحه ۲۹)

د: یکنواختی زبان

ایرج قنبری، شاعری است که پیش از سرودن این
مجموعه، چند مجموعه شعر بزرگسال از او خوانده‌ایم. قنبری
در شعرهای بزرگسالش هم زبانی ساده، روان و نرم دارد؛



به راستی، بچه‌ها تا به حال در چند شعر که برای امام
سروده شده، شنیده‌اند که «دست‌های او کلید قفل‌های بسته
و چشم‌هایش دو آسمان پاک» است؟ چند بار تا به حال
ترکیباتی چون سایبان دست‌ها سال‌های سبز، عطر یاد و...
را شنیده‌اند؟!

ج: شعارزدگی

یکی از ویژگی‌های شعرهایی که برای بزرگان و
پیشوایان سروده می‌شود، این است که در آن از شعار دادن
و مستقیم‌گویی باید اجتناب کرد؛ چرا که شعر جای حرف و
شعار نیست، جای وصف و نشان دادن است و اگر قرار باشد،

تصویر نه تخیل مخاطب را پرواز دهد، نه جذابیت بصری داشته باشد و نه ارتباطی به شعرها، همان بهتر که کتاب بدون طرح و ساده روانه بازار شود.

حرف آخر

در مجموع می‌توان گفت مجموعه «حرف تازه»، از آن دست مجموعه شعرهایی است که در آن شاعر مخاطب را بسیار دست کم گرفته است. سروده‌های این کتاب، بیش از آن که سهل ممتنع باشد، ساده‌انگارانه است و به نظر می‌رسد شاعر تنها به صرف اندک جوشش شعری و تسلطی متوسط بر عناصر شعر، آن‌ها را در زمان کوتاهی سروده باشد. حتی اگر اصل شعر را بر «جوشش» بگذاریم، باز

زبانی به دور از هر گونه پیچیدگی. مقایسه زبان شعر او در شعرهای بزرگسال و مجموعه شعر نوجوانش، هیچ تفاوت و تمایزی را نشان نمی‌دهد. البته شاید واقعاً نتوان زبان ساده و روان را مشکلی برای شعر قلمداد کرد. زنده‌یاد قیصر امین‌پور نیز در شعرهای بزرگسالش زبانی روان و به دور از پیچیدگی داشت، اما آنچه در شعرهای قبیری قابل تأمل است و شاید بتوان به عنوان نقطه ضعف از آن یاد کرد، یکدستی و یکنواختی زبان شعر اوست. در زبان شعر او، هیچ فراز و فرودی نمی‌توان یافت. هیچ تلاشی برای هنجارگریزی، بیان متفاوت، استفاده از کلمات نامأنوس، بازی‌های لفظی و کلامی و... از سوی شاعر دیده نمی‌شود و خواننده از ابتدا تا انتها با یک جریان یکنواخت، بدون دست‌انداز و تکراری مواجه است که او را دچار خستگی و ملال می‌کند؛ درست مثل جاده‌ای صاف و بدون دست‌انداز که در طول آن قطعاً راننده و سرنشین خواب‌شان خواهند برد!

ه: اشتباه در مصراع‌بندی

در برخی شعرهای مجموعه «حرف تازه»، اشتباهاتی در شیوه مصراع‌بندی دیده می‌شود. معمولاً در شعر نیمایی هر جا وزن تمام می‌شود، مصراع هم باید تمام شود. این اصل در برخی شعرها رعایت نشده است؛ به عنوان مثال در بند زیر:

این گلی که با طلوع اولین بهار
در زمین ما کاشتی

(شعر گل هزار پر، صفحه ۲۶)

که مصراع آخر باید به این شکل نوشته شود:

در زمین ما
کاشتی

یا در شعر زیر:

مثل باغ‌ها

که از خزان دیرسال

دور می‌شوند...

(شعر عطر خاطره، صفحه ۹)

مصراع به این شکل باید نوشته می‌شد:

مثل باغ‌ها که از خزان دیرسال

دور می‌شوند...

و: ضعف تصویرگری

تصویرگری کتاب، به شیوه طراحی سیاه و سفید است.

شاید تصویر در کتاب‌های گروه سنی نوجوان، از اهمیت چندانی - در مقایسه با متن - برخوردار نباشد، اما به هر حال وقتی کتابی تصویرگری می‌شود، باید به جذابیت تصویرها برای مخاطب و ارتباط آن با اشعار توجه داشت؛ چیزی که در تصویرهای این کتاب مشاهده نمی‌شود. برای بسیاری از شعرها طرحی از چهره امام کشیده شده، در برخی شعرها فقط یک کتاب یا دفتر و قلم دیده می‌شود و برخی تصویرها هیچ ارتباطی به شعر ندارند. به عنوان نمونه، می‌توان به تصاویر صفحات ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ اشاره کرد. وقتی قرار باشد

هم شاعر بی‌نیاز از کوشش برای ارتقای شعرش نیست. بازبینی، ویرایش، تغییر و اصلاح از جمله مواردی است که شاعر می‌توانست در مورد برخی شعرها اعمال کند. پس آن «عرق‌ریزان روح» که مرحوم اخوان ثالث از آن یاد می‌کند، کجا مصداق می‌یابد؟

پی‌نوشت:

۱- از این باغ شرقی؛ پروین سلاجقه، انتشارات کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان، چاپ اول ۱۳۸۵، صفحه ۲۷۵